

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۰۸ نومبر ۲۰۱۷

ترجمه السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۱۰

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی

ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مسألة پانزدهم

آنست: که شفاعت رسول علیه الصلوة والسلام، مراهل کبائر راحق ببند از امت. و هر که شفاعت رسول رامنکر شود معتزلی باشد. و شفاعت رسول علیه الصلوة والسلام در نص کتاب خداست عزوجلّ و هم در خبر. اما کتاب: وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى. این عطا شفاعتست. و مادر خبر است: که ابوطلحه روایت می کند رضی الله عنه: که رسول علیه الصلوة والسلام گفت: که هر که بر من صلوة فرستد آن را بر من عرضه کنند روز قیامت اول آن را شفاعت کنم.

و عایشه رضی الله عنها روایت کند: که شبی رسول علیه الصلوة والسلام به حجره من بود، بیدار شدم، رسول علیه الصلوة والسلام را ندیدم. چون طلبیدم در نماز یافتم. چون از نماز فارغ شد. سر به سجده نهاد و می گفت: امت من! امت من! و چندان بگریست که من را نیز به گریه آورد.

دست دراز کردم و ردایش را بکشیدم گفتم: یا رسول الله! این امت کیانند؟ که بدین حال و بدین زاری، ایشان را از خدای عزوجلّ می خواهی؟ گفت: یا عایشه! امتانی که از پس چهارصد سال بیرون آیند، تادرنیا باشم می گویم: امتی. و روز قیامت نیز گویم: امتی! امتی!

پس فرمان آمد: یا حبیب من! هر که از امتان تو مرا به یگانگی گواهی داده اند و به رسالت تو اقرار کرده اند، همه را به شفاعت تو بخشیدم و آمرزیدم.

و عبدالله بن عباس گفت رضی الله عنه: کعب الاحبار را پرسیدم: که چرا به وقت رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان نشدی؟ که به وقت عمر مسلمان شدی؟ گفت: زیرا که در توریة یافتم و آن را پدران ما پنهان کرده بودند و آن که: امت محمد سه گروهند که در بهشت شوند. یک گروه بی حساب در بهشت شوند. و یک گروه دیگر را حساب باشد سب و در بهشت شوند. و گروه سوم صاحب کبیره باشند به شفاعت محمد علیه الصلوة والسلام ایشان را به بهشت فرستد. چون در توریة چنین یافتم و در قرآن نیز چنین یافتم مسلمان شدم.

قوله تعالى فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ. پس باک ندارم، ازین سه گروه (هر کدام) باشم آخر در بهشت شوم.

ورسول صلی الله علیه وسلم گفت: شفاعت من، مراهل کبائر را باشد از امت من. گفت: هر پیغمبری رایک دعائی مستجاب بود، ومن آن دعای مستجاب خود را عفو امت خواستم.

ورسول علیه الصلوة والسلام گفت: اهل صلاح و عافیت رابه شفاعت من حاجت نیست، وایشان را در مردمان شفاعت باشد.

وشفاعت من مراهل کبیره راست از امت من.

پس هر که منکر شود از شفاعت، آن را شفاعت رسول علیه الصلوة والسلام نصیب نیست. این مقدار پس بود خردمند را.

مسألة شانزدهم

آنست که شب معراج، رسول علیه الصلوة والسلام به آسمان بردن حق بینی. زیرا که معراج رسول صلی الله علیه وسلم به نص کتاب حق است. قوله تعالى: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ.

و جای دیگر گفت: وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى. و جای دیگر گفت: ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى. تآنجا که: مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى.

و این همه آیات آنست: که آن را به آسمان بردند. هر چند بعضی تأویل می کنند آیتها را، تا بیت المقدس مقررند. و هر که تا بیت المقدس را منکر شود کافر شود. و اگر تا بیت المقدس راقر آید و اگر گوید به خواب دید، یا گوید من ندانم به آسمان شدن، آنکس مبتدع و هوادار باشد.

وانس بن مالک روایت کند که رسول علیه الصلوة والسلام گفت: که شب معراج که مرا به آسمان بردند، جبرئیل علیه السلام براق آورد، زین کرده، و لگام نهاده، و گفت: بنشین! خواستم که بر نشینم. براق تندی کرد. جبرئیل تازیانه فرو گذاشت گفت: نمی دانی! که این کیست؟ گفت: می دانم محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم. گفت: از آن مرغزار که مرا آوردی ششصد هزار براق دیگر است، همه باداغ مصطفی. اگر من امشب بمانم، که بر من نشیند، من باوصال آن خو کنم. فردا که بر براق دیگر نشیند، من طاقت فراق آن را ندارم. من خود نگذارم که بر من نشیند. تا فردا فراق نباید کشید. رسول علیه الصلوة والسلام پرسید که: براق چه می گوید؟ جبرئیل آن حال با رسول علیه الصلوة والسلام گفت: رسول گفت: بگو مر براق را، که باتو عهد می کنم: که روز قیامت بر تونشینم.

پس بر براق نشست، تا بیت المقدس مرکبش براق بود و از بیت المقدس تا آسمان دنیا معراج بود. و از آسمان دنیا تا آسمان دوم مرکبش جزوم بود. و از آسمان دوم تا سدره المنتهی مرکبش جبرئیل بود، و از سدره المنتهی تا منظر اعلی مرکبش رفر بود. و از منظر اعلی تا به کرسی مرکبش تابید بود و از کرسی تا به عرش مرکبش عزت بود. و از عرش تا به قاب قوسین مرکبش قدرت بود. و هم چندان که از مرکب تا مرکب فرق بود. رسول راصلی الله علیه وسلم بر رسولان دیگر فرق بود. و هر پیغمبر را معراج بود و هر یکی را مرکبی بود. معراج آدم علیه الصلوة آن بود که تختی زرین برگردن چهل فرشته به دنیا فرستاد، تا آدم را بران تخت نهادند، و به بهشت بردند. و مرکب ادريس بر آن فرشته کردیم، که هم بر آفتاب موکلت و هم مرکب نوح سفینه کردیم. و مرکب صالح ناقة کردیم. مرکب ابراهيم منجنیق کردیم. و مرکب سليمان باد کردیم. و مرکب يونس ماهی کردیم. و مرکب موسى عصا کردیم و مرکب عيسى علیه الصلوة والسلام پرفرشتگان کردیم.

و مرکب مصطفی صلی الله علیه وسلم براق کردیم، و معراج کردیم، جزوم کردیم، رفرف کردیم، جبرائیل کردیم، عزت کردیم، قدرت کردیم.

اول کسی که معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم را مقرآمد ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود و هرکه معراج را مقرآید، امامش ابوبکر صدیق بود. و هرکه معراج را منکرآید امامش ابوجهل بود. و اندر معراج آیات و اخبار بسیار آمده است. اما این مقدار بس بود عاقل را.

ادامه دارد